کوتاه‌تر از گزارش

دستور ماسکی صادر شد

لیلا شوقی

جامعه

«از ۱۵ تیرماه، استفاده از ماسک، در مکان‌های سرپوشیده الزامی است.» این نه جمله ما که جمله رئیس‌جمهور کشور است که صبح دیروز در ستاد ملی مبارزه با کرونا عنوان کرد. اجباری کردن، ماسک البته به این تاریخ ختم نمی‌شود، پیش از این هم در مترو استفاده از ماسک اجباری شده بود. حالا حساسیت‌ها درباره استفاده از ماسک بیشتر شده است، طوری که وزارت بهداشت هم هشتگی درست کرده تا شهروندان به ماسک زدن تشویق شوند. اجباری شدن ماسک تنها تصمیم جدید دیروز نبود، آن طور که رئیس‌جمهور گفت برای مناطق و شهرهای با شرایط قرمز هم تصمیمات مهمی گرفته‌شده است؛ تصمیماتی که به بازگشت محدودیت‌ها منجر می‌شود.

دو روز پیش در همین ستون نوشتیم ایرج حریرچی، معاون کل وزارت بهداشت و درمان از هشتگ، «من-ماسک-می‌زنم» رونمایی کرد و از همه مردم خواست در این پویش شرکت کنند. حالا اما، رئیس‌جمهور اعلام کرده است ماسک‌زدن اجباری خواهد شد.

سیاست ماسکی

در جلسه روز گذشته ستاد ملی مقابله با کرونا، رئیس‌جمهور با بیان این که مناطق سرپوشیده هم جزو مناطق قرمز محسوب می‌شوند، از لزوم استفاده از ماسک در این مناطق، گفت: «ماسک زدن از ۱۵ تیر تا پایان تیرماه، در مکان‌های بسته الزامی می‌شود.» او تاکید کرد اگر لازم باشد، این مدت زمان را تا مرداد هم تمدید خواهد کرد.

روحانی همچنین عنوان کرد وزارت کشور، تعزیرات و اصناف می‌توانند، ماده قانون بازدارندگی، پیشنهاد دهند تا در جلسه هفته آینده این ستاد به تصویب برسد و اجرایی شود. همچنین روحانی با بیان این که پنج استان کشور، در شرایط قرمز قرار دارند (خوزستان، کردستان، آذربایجان‌غربی، هرمزگان و کرمانشاه) از استانداران و مدیران ستاد این استان‌ها درخواست کرد در صورت تمایل، محدودیت‌هایی را به وزارت کشور و وزارت بهداشت و درمان پیشنهاد دهند تا این محدودیت‌ها با نظر این دو وزارتخانه، اعمال شود.

روز گذشته حریرچی نیز با اشاره به سخنان رئیس‌جمهور تاکید کرد استفاده از ماسک از ۱۵ تیر در اماکن عمومی الزامی است و استان‌های با وضعیت قرمز باید این الزام را به صورت ویژه در دستور کار قرار دهند.

باید یادآور شد چنین سیاست‌هایی پیش از این هم اجباری شده بود، در جایی مانند مترو و دیگر وسایل حمل‌ونقل عمومی، نکته مهم اما این است که این الزام به استفاده، نادیده گرفته شده و در بسیاری از موارد مسافران، بدون استفاده از ماسک، در متروهای شلوغ، تردد می‌کردند. حال سوال این است که با آن سابقه تقریبا ناموفق، آیا می‌توان به نظارت بر اجبار ماسک امیدوار بود؟

باید جریمه شوند

مینو محرز، عضو ستاد ملی مبارزه با کرونا در این‌باره به ما گفت که سیاست در خانه ماندن، دیگر در هیچ کشوری از جهان، اجرایی نمی‌شود و این استفاده از ماسک است که تنها راه مقابله با بیماری عنوان شده است. او به مشکلات روانی، اجتماعی و اقتصادی که کرونا به وجود آورده، اشاره کرد و در این باره گفت: «اجباری کردن استفاده از ماسک، ارزان‌ترین و آسان‌ترین راه برای مقابله با بیماری کروناست.» او تاکید کرد جریمه کردن کسانی که از ماسک زدن خودداری می‌کنند، می‌تواند بهترین تصمیم باشد.

محرز از آمار جدیدی نیز گفت؛ از این که اگر دو نفر ماسک زده باشند، احتمال سرایت بیماری در هر دو طرف، ۱/۵ درصد است. محرز معتقد است: «با دعوا یا زد و خورد نمی‌توان کاری را پیش برد، بهترین کار این است که در ابتدا، آگاهی و فرهنگ‌سازی شود و در کنار آن، مسأله جریمه هم مطرح باشد.» او توضیح داد که این مهم، در همه کشورهای جهان در حال انجام است و با محدود کردن دایره اختیارات به استان‌های قرمز و استفاده از قوانین محدودیت‌های تردد و حمل‌ونقل می‌توان از پیشروی ویروس جلوگیری کرد. او ادامه داد: «دولت باید حمایت‌گر باشد و برای کسانی که توانایی تهیه ماسک را ندارند، ماسک تهیه کند، بعد از آن انتظار داشته باشد تا شهروندان قوانین را اجرا کنند.»

جدایی ۱۱۵ هزار مددجو از کمیته امداد

مرتضی بختیاری، رئیس کمیته امداد توانمندسازی مددجویان را مهم‌ترین ماموریت این نهاد دانست و گفت: سال گذشته با اجرای طرح‌های اشتغال، ۱۱۵ هزار خانوار به خودکفایی رسیده و از پوشش حمایتی امداد خارج شدند. وی با بیان این که کمیته امداد سال گذشته حدود ۱۷۶ هزار فرصت شغلی برای خانواده‌های تحت حمایت ایجاد کرد، ادامه داد: این میزان اشتغال، حدود ۴۱ درصد مشاغل راه‌اندازی شده در کشور در سال ۹۸ است. / جام جم دیلی

موج دوم شیوع کرونا قطعی است

علی آقامحمدی، رئیس کارگروه ارزیابی فرصت‌های مدیریت کرونا، موج دوم شیوع این بیماری را قطعی خواند. وی گفت: ما هم اکنون در مرحله پایانی موج اول هستیم و استان‌هایی که موج شیوع این بیماری درآنها شدیدتر بوده، امروز شاهد افزایش ابتلا هستند؛ بنابراین برای جلوگیری از تشدید شیوع کرونا باید استفاده از ماسک به عنوان یک واجب شرعی و انسانی برای مردم قلمداد شود. / ایسنا

نیروهای مردمی زیادی برای اطفای حریق جنگل‌های کشور داوطلب می‌شوند اما نبود امکانات و تجهیزات در کنار سوءمدیریت سبب هدررفت این پتانسیل می‌شود

عکس: سایت گلونی

شعله‌ها شرمنده جنگل شدند

در ۱۰ روز گذشته ۳۰۰ نقطه از جنگل‌های کشور طعمه حریق و رکورد جدیدی از تخریب محیط زیست ثبت شد

میثم اسماعیلی

جامعه

سه ماه از سال گذشته و فرمانده یگان حفاظت سازمان جنگل‌ها می‌گوید در همین سه ماه نزدیک به ۱۱۰۰ مورد آتش‌سوزی در جنگل‌ها و مراتع ایران اتفاق افتاده است. یعنی هر روز ۱۲ فقره آتش‌سوزی در جنگل‌ها و مراتع کشور. این تعداد آتش‌سوزی جنگل‌ها در ایران حتی با استانداردهای معمول و میانگین آتش‌سوزی جنگل‌ها در ایران هم همخوان نیست. تداوم آتش پای تئوری‌های دیگری را هم به ما جرا باز کرده و عده‌ای آن را «مشکوک» خواندند. این شک به نتیجه هم رسیده و چند نفری در این خصوص بازداشت شده‌اند؛ اما سازمان محیط زیست گویا همچنان در خواب زمستانی‌اش به سر می‌برد و همه را حواله کرده به دست طبیعت و انتظار مهار آن را هم از خود طبیعت دارد و بحث بر سر آتش جنگل‌ها را «سیاه‌نمایی» می‌داند. اما وقتی قضیه مشکوک‌تر می‌شود که بدانیم حدود ۳۰۰ مورد این آتش‌سوزی‌ها طی ۱۰ روز اخیر رخ داده است. همه این آمار را بگذارید کنار آمار شش ماه نخست سال گذشته تا به این نتیجه برسید که در سه ماه اول امسال ۱۱۰۰ مورد آتش‌سوزی داشتیم در حالی که در شش ماه سال گذشته شاهد ۳۳۰ مورد حریق بودیم.

آتش جنگل‌ها در ایران پابه‌پای وضعیت کرونا برای شهروندان از امری مهم به یک اتفاق عادی تنزل پیدا کرده است. حالا یک ماه است جنگل‌های ایران دارد سیاه می‌شود. دلایل چرایی این آتش‌ها اما همانی است که بود، همانی که سال‌ها از زبان مسوولان اعلام می‌شود، هر چند فرضیه‌های تازه‌تری هم در این میان شکل گرفته است. با تداوم و تکرار آتش همان دلایل سابق دیگر نیاز به یک بازنگری و تعریف دارد. به این مفهوم که دیگر «بی مبالاتی گردشگران» در ایجاد آتش یک توجیه برای عدم مسوولیت اجتماعی محسوب نمی‌شود و به نوعی عملی خرابکارانه تلقی می‌شود. اگر ابتدای آتش‌سوزی‌ها بی‌تدبیری مسوولان و نداشتن امکانات را دال بر تداوم آتش می‌دانستیم حالا تعدد عجیب آتش‌ها طی ده روز اخیر می‌تواند معنایی فراتر از بی‌تدبیری مورد اشاره داشته باشد. چیزی که در گفته‌های سرهنگ علی عباس‌نژاد، فرمانده یگان حفاظت سازمان جنگل‌ها هم به آن اشاره شده است. او در گفت‌وگویی با ایسنا توضیح داد: «از نظر ما درصدی از این آتش‌سوزی‌ها عمدی است و دستی در کار است که ناکارایی سازمان‌های ذی‌ربط را نشان دهد.»

آتش جنگل‌ها تعمدی است؟

تعمدی بودن آتش‌سوزی جنگل‌ها پیش از این هم مطرح بوده است. به تفکیک استان هم مسوولان گاه از نیت آتش‌افروزان گفته‌اند. به عنوان مثال مسوولان استان سمنان می‌گویند ۹۰ درصد از آتش‌سوزی مراتع این استان عمدی است یا در آماری عجیب اعلام شده ۹۹ درصد آتش‌سوزی‌های گلستان تعمدی است. اما تفاوت موارد اخیر با تعمدی خواندن دلایل آتش‌سوزی‌های گذشته در نیت آتش‌افروزان نهفته است؛ چراکه در آمارهای گذشته در بسیاری از موارد خطاهای انسانی هم جزوی از تعمدی بودن محسوب می‌شده است. آمارهای دیگری وجود دارد که اشاره دقیق‌تری به موضوع آتش‌افروزی در جنگل‌ها و مراتع ایران دارد. به باور بسیاری از کارشناسان و فعالان محیط زیست، اصولا ۹۰ درصد آتش‌سوزی‌ها به خاطر عوامل انسانی رخ می‌دهد و فقط ۱۰ درصد آنها منشأ طبیعی مانند وقوع رعد و برق دارد. از آن ۹۰ درصدی که با عوامل انسانی رخ می‌دهند، ۱۸ درصد به صورت عمدی اتفاق می‌افتند که انگیزه‌هایی نظیر تولید زغال، تلاش برای تغییر کاربری‌ها یا فراری‌دادن حیوانات و شکارها باعث می‌شود عده‌ای دست به این کار بزنند. در خصوص درصد موارد غیرعمدی هم اساسا پای سهل‌انگاری شهروندانی در میان است که برای تفریح در مراتع و جنگل‌ها حاضر می‌شوند. شیشه که در طبیعت رها می‌شود، در فصل گرما بر اثر شدت نور خورشید به عاملی برای آتش‌گرفتن جنگل‌ها تبدیل می‌شود. آتش‌هایی که برای طبخ غذا روشن می‌شود، اگر به درستی پس از ترک محل خاموش نشود می‌تواند خسارات جبران‌ناپذیری به طبیعت وارد کند. همچنین انداختن ته سیگار روشن می‌تواند باعث آتش‌سوزی شود. ضمنا باید در نظر بگیریم امسال وضعیت بارش‌ها بسیار خوب بوده و همین مسأله سبب شده پوشش گیاهی زیادی روییده شود و حالا با گرم شدن هوا و خشک شدن آنها مستعد آتش‌گرفتن هستند.

آتش‌افروزی‌های سیاسی

دلیل تازه مستتر در گفته‌های فرمانده یگان حفاظت سازمان جنگل‌ها اما شامل هیچ‌کدام از موارد ذکر شده نمی‌شود. همین که آمار آتش‌سوزی ده روز اخیر با شش ماه سال گذشته برابری می‌کند هم نشان‌دهنده این است که فرضیه مطرح شده توسط سرهنگ علی عباس‌نژاد جدی‌تر است. او در ادامه گفته‌هایش که اشاره به تعمدی بودن بخشی از این آتش‌سوزی‌هاست، افزود: «حتی ممکن است بهره‌برداری‌های سیاسی هم پشت این موضوع باشد.» عباس نژاد همچنین خبر داد: «تاکنون چندین نفر به اتهام آتش‌سوزی عمدی در جنگل‌ها و مراتع بازداشت شده‌اند و موضوع از طریق مراجع قضایی در حال پیگیری است.» موضوع «بهره‌برداری سیاسی» از آتش‌سوزی‌های اخیر در فضای مجازی طرفداران بسیاری پیدا کرده و باعث شکل گرفتن بحث‌های بسیاری هم شده است. عده‌ای معتقدند حتی از مخالفان هم نمی‌توان افرادی را یافت که نوع اعتراضشان را با به آتش کشیدن جنگل‌ها نشان دهند و در مقابل عده‌ای دیگر بر این باورند تداوم آتش‌ها و گستردگی‌شان طی یک بازه زمانی کوتاه حتما پیام معناداری به همراه دارد. این فرضیه‌ها وقتی بیشتر به چشم آمد که در فاصله زمانی کوتاه، بوستان‌های تهران و چند شهر دیگر هم به آتش کشیده شد. پارک جنگلی و محدوده سبز دریاچه چیتگر، بوستان ولایت و پارک افرای تهران، پارک چوبی اهواز و فضای سبز جامعه‌الزهرای قم از نمونه‌های این آتش‌سوزی‌ها بودند. هر چند در همان روزها، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی شهر تهران اعلام کرد: «برخلاف برخی از افراد که مدعی شده‌اند آتش‌سوزی‌های اخیر در تهران عمدی است، برای کارشناسان سازمان آتش‌نشانی تا این لحظه عمدی‌بودن آتش‌سوزی‌ها ثابت نشده است».

غیرعادی نیست

کنار هم قرار دادن برخی آمارهای گذشته و کنونی به ما نشان می‌دهد وقوع ۳۰۰ مورد حریق طی ده روز باید غیرعادی باشد، اما تنها آمارها نیستند که سنجه‌ای برای تحلیل وضعیت موجود می‌شوند. محمد درویش یکی از افرادی است که اعتقاد دارد چندان هم نباید از این تعدد آتش‌سوزی‌ها تعجب کرد. این فعال محیط‌زیست به جام‌جم می‌گوید: «من به یاد ندارم طی سه دهه گذشته دو سال پیاپی میانگین بارش‌های آسمانی ما بیشتر از میانگین درازمدت ۵۱ ساله باشد. این اتفاق اما افتاده و ما شاهد یک پوشش طبیعی فوق‌العاده در طبیعت بودیم. میزان تخریب‌های هر ساله نوروز را هم به دلیل قرنطینه بودن نداشتیم و همین مورد به پوشش گیاهی طبیعت ما کمک کرده است.» اشاره او به وجود پوشش گیاهی شگفتی است که به واسطه بارش‌های خوب دو سال گذشته در طبیعت ایجاد شده بود و همین مورد خطر آتش‌سوزی در جنگل‌ها و مراتع را بسیار افزایش داده است. سازمان جنگل‌ها هم پیش‌بینی چنین وضعیتی را داشته است، چرا که بخشنامه‌هایی هم در سازمان جنگل‌ها صادر شد تا این سازمان آمادگی مقابله با حریق را داشته باشد.

محمد درویش اما معتقد است: «چیز غیرعادی اتفاق نیفتاده است». او می‌گوید: «ما نباید کم‌کاری‌های احتمالی خودمان را پشت چنین فرضیه‌هایی پنهان کنیم. سوال اصلی این است که آیا سازمان جنگل‌ها توانسته فقط برای اعضای خودش لباس اطفای حریق و دمنده و کوله پشتی مناسب به اندازه کافی تهیه کند؟ سازمان جنگل‌ها حتی این توان را ندارد که با ستاد نیروهای مسلح تعامل کند که برای مهار آتش‌سوزی پول طلب نکند. ماجرا این است که بضاعت دستگاه‌های متولی منابع طبیعی ما کم است و دولت هم به آن توجه ندارد و حالا هم که ما با یک ترسالی بی‌سابقه روبه‌رو بودیم این بی‌بضاعتی به آشکاری خودش را نشان می‌دهد.»

مدتی پیش رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست ادعا کرد آتش‌سوزی ۱۵۰۰ هکتار از جنگل‌های کشور عدد قابل توجهی نیست اما این روزها که فقط در ۱۰ روز حدود ۳۰۰ هکتار از جنگل‌های کشور طعمه حریق شده هنوز اظهارنظری از ایشان منتشر نشده است

سالمندی بدون عصا

کارشناسان نسبت به پیری جمعیت و توقف قطعی برخی خدمات اجتماعی هشدار می‌دهند

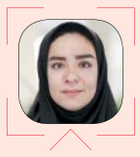

نرگس خانعلی‌زاده

جامعه

سالخوردگی دورانی است که رسیدن به آن، یک موفقیت بهداشتی برای جامعه محسوب می‌شود اما همین موفقیت نیاز به برنامه‌ریزی دارد که در غیر این صورت، رسیدن جامعه به این دوران می‌تواند به چالش بزرگی تبدیل شود؛ چالشی که این روزها حرف از آن زیاد شده است. از دیدگاه اقتصادی، وقتی شخصی سالخورده شد، یعنی از تولیدکننده، به مصرف‌کننده تبدیل شد جامعه باید از او حمایت کند؛ حمایتی که با حقوق بازنشستگی، خدمات درمانی، تفریحی و ... صورت می‌گیرد اما افزایش جمعیت سالخورده در سال‌های اخیر و کمبود نیروی جوان و فعال در جامعه، دلیلی برای تهدید تداوم همین خدمات حداقلی به سالخوردگان و بازنشستگان در سال‌های آینده شده است؛ دلیلی که کارشناسان می‌گویند از خالی‌شدن منابع مالی دولت در صورت ادامه سیر صعودی پیری جامعه نشات می‌گیرد و آن‌وقت دیگر منبعی وجود ندارد که صرف خدمات به بازنشستگان شود.

امیرحسین قاضی‌زاده‌هاشمی، نایب رئیس مجلس در توییتی نوشت: «دلیل این که فلان کارشناس در خدمت سیاست‌های غیرکارشناسی دولت، برخلاف همه دنیا، پیری جمعیت را عیب نمی‌داند، جز ضعف سواد و عقل چیست؟ فقط یکی از معایب سالخوردگی قابل پیش‌بینی جمعیت ایران در ۳۰ سال آینده، توقف قطعی برخی خدمات اجتماعی حیاتی است.» نایب رئیس مجلس شورای اسلامی با انتشار نموداری، نسبت وضعیت نیروی کار به سالمند در سال ۱۴۳۰ را این‌طور توصیف کرده است: «در حال حاضر به ازای هر سالمند ۷٫۵۷ نیروی در سن کار داریم و سال ۱۴۳۰ نسبت نیروی کار به سالمند ۱٫۹۵ خواهد بود.»

این مسائل را با محمدجواد محمودی، کارشناس اقتصاد جمعیت درمیان گذاشتیم که او به جام‌جم می‌گوید: «معنای واقعی و قابل لمس سالخوردگی جمعیت این است که جمعیت فعال و جمعیت در سن کار کم می‌شود. آن‌وقت در چنین حالتی هزینه‌هایی که باید در آینده انجام شود، بیشتر از درآمدهایی است که جمعیت جوان به دست می‌آورند.» در چنین وضعیتی، بسیار طبیعی است که سازمان‌های بیمه، دیگر نمی‌توانند خدماتی که را در حمایت از جمعیت سالخورده ضروری است، ارائه بدهند. این کارشناس اقتصادی جمعیت تاکید می‌کند: «موضوع این است که چنین اتفاقی اصلا باب میل سازمان‌های بیمه نیست؛ اما مجبورند و چاره دیگری ندارند؛ در واقع منبعی ندارند که بتوانند خدمات بدهند.»

بیمه‌های کمرنگ

اما منظور از خدمات اجتماعی که ممکن است با ادامه‌دار شدن پیری جمعیت قطع شود چیست؟ بدیهی‌ترین و البته اصلی‌ترین این خدمات، حقوق بازنشستگی است؛ حقوقی که همیشه به بازنشسته‌ها تعلق می‌گرفته و ممکن است دیگر نگیرد. محمودی می‌گوید: «چون دیگر اوضاع به جایی می‌رسد که بودجه‌ای وجود ندارد که بخواهد به بازنشسته پرداخت شود. این درحالی است که یک فرد ۳۰ سال کار کرده و این حقوق بازنشستگی حق طبیعی‌اش است اما وقتی ذخایر خالی شود باید نگران این مساله بود».

محمودی از دیگر خدماتی می‌گوید که در حالت عادی باید شامل حال بازنشستگان می‌شود، اما امروز حرف از قطع آنها به میان آمده است: «ارائه خدمات و هزینه‌های درمانی هم یکی دیگر از این خدمات است. روایتی است که می‌گویند شش ماه آخر زندگی هر فردی به اندازه کل دوران زندگی‌اش هزینه درمانی دارد؛ هزینه‌هایی که با ادامه این روند و این شرایط، سازمان‌های بیمه‌ای قادر به ارائه پرداخت هزینه‌های معالجه و درمان نیستند.»

صالح قاسمی، پژوهشگر جمعیت هم از این تهدید خدمات سالخوردگان در آینده‌ای نه‌چندان دور با رشد جمعیت سالخورده می‌گوید: «این امر ساختارهای تامین‌اجتماعی و بعد نظامی و امنیتی کشور را تهدید می‌کند چرا که رشد شمار سالمندان نیازهای رفاهی و اجتماعی آنان از نهادهای مربوط را افزایش داد و همین امر بر روی سیاست‌ها و ظرفیت‌های کشور تاثیرگذار است.» اما این یک طرف ماجرا است؛ طرف دیگر مالیات‌هایی است که از طریق کار و فعالیت نیروی جوان جامعه به درآمد جامعه افزوده می‌شود و اگر این نیروی جوان و کاری کم شود، ظرفیت مالیاتی کشور هم کم می‌شود. این هم دلیل موجه دیگری برای کم بودن ذخایر بیمه است. وقتی افراد فعال جامعه کم شود، جامعه از چه طریقی کسب درآمد کند تا بتواند خدماتی کامل را به جامعه سالخورده و بازنشسته کشور ارائه بدهد؟

جمع مصرف‌کنندگان

محمودی، کارشناس اقتصادی جمعیت برای توجیه این پیش‌بینی و قطع شدن خدمات برای جامعه سالخورده از اصطلاح پنجره جمعیتی می‌گوید: «وقتی از پنجره جمعیتی می‌گوییم، یعنی از فرصتی در جامعه صحبت می‌کنیم که تولیدکنندگان بیشتر از مصرف‌کنندگان هستند؛ در نتیجه چنین چرخه سالمی، تولیدکنندگان تولید می‌کنند، پس‌انداز می‌کنند، باعث رشد اقتصادی می‌شوند و خدمات کاملی به مصرف‌کنندگان که همان قشر سالخورده و بازنشسته هستند هم ارائه می‌شود. پس طبیعتا اگر جامعه پیر شود، نسبت تولیدکننده به مصرف‌کننده برعکس می‌شود و مصرف‌کننده در چنین جامعه‌ای بیشتر از تولیدکننده است. آن‌وقت است که درآمد دولت کم می‌شود، هزینه‌هایش زیاد می‌شود، از پس مخارج مصرف‌کننده برنمی‌آید، باید همیشه از جیب بخورد و در نهایت یکی از راه‌حل‌هایی که مجبور می‌شود از آن استفاده کند این است که خدماتش را کمتر کند.» حقوق بازنشستگی، رکن اصلی این خدمات است. خدمات درمانی و پرداخت هزینه‌های معالجه و درمان که بخش اعظمی از نیازهای یک سالخورده را شامل می‌شود هم از دیگر خدماتی است که حرف از قطع آن، پیامدهای ناخوشایندی را به همراه دارد. ارائه وام‌های مختلف اعم از وام ازدواج برای فرزندان بازنشستگان، وام مسکن، وام جهیزیه و ...هم از دیگر خدماتی است که بازنشستگان در برهه‌ای از زندگی‌شان به آن نیاز ضروری دارند. حتی برگزاری سفرهای زیارتی و سیاحتی و یا پرداخت کمک‌هزینه این سفرها هم دلخوشی بزرگی برای برخی بازنشستگان است؛ دلخوشی‌ها و خدماتی که طبیعتا وقتی منبعی وجود نداشته باشد، امکانی برای فراهم شدن‌شان وجود نخواهد داشت. اما وجه دیگر ماجرا این است که در سنین سالخوردگی و بازنشستگی، تناسب مناسبی میان هزینه‌های یک فرد سالخورده و درآمدش وجود ندارد.

محمودی با اشاره به سن سالخوردگی در کشورهای دنیا از نبود سنخیت هزینه و درآمد بازنشستگان می‌گوید: «فکر می‌کنید سن سالخوردگی چند سال است؟ برای کشورهای دنیا فرق می‌کند ولی به طور عمومی سازمان ملل برای این که قابلیت مقایسه این برهه از زندگی در تمام کشورها را داشته باشد، سن بازنشستگی را ۶۰ سال می‌داند.» و حالا با توجه به این سن، ۱۰ درصد جامعه ما بالای ۶۰ سال هستند و این یعنی ما وارد مرحله اول سالخوردگی شده‌ایم. اما این تناسب غلط زمانی خودش را نشان می‌دهد که فردی که بازنشسته می‌شود، درآمدش کم ولی هزینه‌هایش بیشتر می‌شود. در واقع یک فرد سالخورده، هزینه‌های ازدواج فرزندانش را که مراسم عروسی و تهیه جهیزیه و ... است، در پیش دارد. او فرزندانی دارد که با خانواده‌هایشان به خانه پدر و مادر می‌آیند و این رفت و آمدها، هزینه دارد؛ حالا تصور کنید که همین حقوق بازنشستگی پدر و مادر خانواده هم در ادامه این روند در حال تهدید است.